

نویسنده: رفیق شهاب الدین سرمند



سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان و دین اسلام



در اوج مبارزات دادخواهانه و مبارزه رهایی بخش خلق ها از یوغ استعمار و استبداد به خصوص در قاره آسیا، حضور نهضت های رهایی بخش و در رهبری آن شخصیت های که توانمندی و قدرت رهبری را داشته اند، بدون تردید با خط زرین درج اوراق تاریخ حیات سیاسی آن نهضت ها گردیده و جاودان باقی می ماند. جغرافیای افغانستان بعد از استرداد استقلال درگیر تغییرات و تحولات چشمگیری بود که آن تحولات اثر گزینی خود را در قبال رویدادها و حوادث بعدی داشته است. طوری نمونه میتوان از جنبش مشروطیت اول تا به ایجاد و فعال شدن سازمان های نجات بخش سیاسی یاد کرد. قرن بیستم در کشور ما، به خصوص اواخر قرن بیستم دوره رشد و ظهور سازمانهای مترقی، دموکرات و نجات بخش کشور در مبارزه با استبداد، استثمار و بی عدالتی های اجتماعی بود که در سطح رهبری خود شخصیت ها مستعد، آگاه و مردمی را داشت.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه ارگان پیشتاز و پیشاهنگ زحمتکشان کشور یکی از سازمان های منظم و رزمنده عصر و زمان خویش و مدافع خواست های زحمتکشان، اعم از پیشه وران، کسبه کاران، قشر آگاه و روشن جامعه (محصلان و متعلمان) تحت رهبری شخصیت آگاه و مبارز بی باک، فرزند صدیق وطن زنده یاد ببرک کارمل از بدو تاسیس تا ختم زندگی خویش صادقانه و متحدانه رزمید و از خود خاطرات پرافتخار به جا گذاشته است.



بیست و سه سال قبل رهبر محبوب حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اثر بیماری که عاید حال شان بود چشم از جهان پوشید و در نبود شان جنبش چپ و دموکراتیک به معضلات بیشماری مواجه گردید.

زنده یاد ببرک کارمل رهبری بود که با توده ها پیوند داشت و به همین ترتیب از حمایت توده های وسیع جامعه برخوردار بود. ببرک کارمل در دشوارترین لحظات از منافع مردم و از وجب وجب خاک کشور در برابر استعمار خارجی و استبداد داخلی سینه خویش را سپر نموده و صدای عدل و عدالت را به گوش سردمداران دولت مستبد و نماینده گان استعمار میرساند و خواب را از چشمان شان می ربود. صدای دفاع از حق و عدالت را در

تظاهرات و جلسات پارلمان بلند و به گوش زمام داران دولت میرساند. زنده یاد ببرک کارمل به مثابه خدمت گار واقعی مردم از آغاز کار و فعالیت سیاسی و رهبری یک سازمان سیاسی نیرومند در شرایط دشوار و به خصوص بعد از شش جدی مرحله نوین و تکاملی قیام ثور ۱۳۵۷ در دشوار ترین شرایط که تقریباً نیمی از جهان در یک جنگ اعلام نشده بر علیه دولت مردمی قرار داشت و یک مرحله تاریخی خاصی که همه از استبداد امین و باند وی نهایت بد بین و در خصومت به حزب و حزبی ها شده بودند، دشواری ها و وضع بحرانی آن با تدابیر و توانمندی عالی موفقانه سپری و حزب و دولت را متکی به پایه های مردمی ایجاد و با شیوه ها و رویکردهای خاصی موفقانه رهبری نموده و ویژه گی ها و توانمندی یک رهبر توانمند را از خود در مقطع خاصی تبارز داد که دست آورد های مزید و چشمگیری را از خود به جا گذاشت.

خصلت عمده رهبر سیاسی در خلاقیتی است که بتواند یک جامعه و یا یک جنبش اجتماعی را از بحران و خم و پیچ های دشوار به سلامتی نجات داده و ضرورت و نیازمندی های تاریخی همان برهه زمانی را تشخیص و تاکتیک و روش های سالم مبارزه را اتخاذ نماید و ببرک کارمل این اصول اولی مبارزه را در عمل انطباق داده و فاصله حزب، - مردم و دولت و مردم را با اقدامات مشخصی از بین برده و تأمین رابطه حمایت و پشتیبانی آشکارا مردم را با حزب و دولت تأمین نمود.

زنده یاد ببرک کارمل با درک و شناخت از روال جامعه، با وسعت نظر و احترام به سنن پسندیده مردم ما، بیرون رفت از مشکلات متعددی که دامنگیر مردم گردیده بود و به خصوص در مورد دین اسلام که منافقین و مخالفین حزب و حاکمیت آن زمان را به نام دولت کمونستی یعنی ضد دین به مردم ما که اکثریت شان در بیسوادی بسر میبردند، معرفی نموده و با این شعار غرق در تجارت سیاسی و سر باز گیری از فرزندان مردم بیچاره ما بودند، با اتخاذ و پیشبرد سیاست دقیق و علمی متکی به پایه های مردمی و احترام به مقدسات مردم افغانستان را اساس گذاشت.

جاوید نام ببرک کارمل بعد از اشتراک در بیست و ششمین کنگره حزب کمونسنت اتحاد شوروی بعد از بیانیه شفاهی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی آن حزب در جواب سوال رفقای کانگو پیرامون فعالیت ح. د. خ. ا در یک جامعه که نود و نه فیصد آن را مسلمانان تشکیل میدهد، چنین پاسخ داد:

«حزب ما عمیقاً با تمام عنعنات و سنن دین اسلام احترام فراوان قایل بود و این اصل در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که چند ماه بعد از مرحله نوین انقلاب ثور از طرف شورای انقلابی تدوین شده صریحاً چنین بیان شده است. در حدود نود و نه فیصد بلکه بیشتر در افغانستان مسلمانان زنده گی میکنند و باید اعتراف کرد که بازهم بنابر اشتباهات رهبری سابق در حزب و دولت در برابر معتقدات دینی مردم افغانستان بی احترامی زیاد صورت گرفت که این مساله یکی از عوامل دیگر تجرید شدن حزب و دولت از مردم بود. در مرحله نوین انقلاب اپریل حزب و دولت سعی و مجاهدت فراوان به عمل آورد تا این سو تفاهم را در میان توده های مردم از بین بردارد. و در این راه پیروز و موفق هم شد. تمام رهبران، کادرها، و صفوف حزب در تمام اماکن مقدسه در مساجد، تکیه خانه ها در هنگام مراسم و مناسک دینی مردم زحمتکش افغانستان به عمل آوردند. از طرف حزب و دولت جلسات و کنفرانس های بزرگ روحانیون دایر گردید؛ ریاست شون اسلامی در چهارچوب شورای وزیران ایجاد شد. در این روزها مقدمات و تدارکات ایجاد شورای روحانیون، علما و ملاهای افغانستان گرفته میشود. شورای روحانیون جز جبهه ملی پدر وطن خواهد بود.»

جاوید نام ببرک کارمل در قسمتی از مصاحبه مطبوعاتی شان با ژورنالستان کشور های سوسیالیستی و سرمایه داری در پاسخ سوال نماینده روز نامه ایزویستیا که پرسیده بود شایعه است در افغانستان دین اسلام در خطر است چنین بیان داشتند:

«طوری‌که قبلاً ابراز داشتیم مردم افغانستان مردم زحمتکش و مسلمان اند. بعد از تأمین حاکمیت زحمتکش‌شان بعد از انقلاب ثور به خصوص مرحله نوین و تکاملی آن، رعایت و احترام به دین اسلام توسط اصول اساسی نه تنها تضمین گردیده بلکه در سطح قانون هرگاه شخصی و یا گروهی به تخریب، یا ضد روحانیون و علما به بی احترامی می پردازد در پیشگاه قانون مورد مواخذه قرار می گیرد. این تبلیغات دشمنان انقلاب و جنبش های آزادیبخش ملی و ارتجاع و امپریالیزم است که میگویند در افغانستان اسلام در خطر است. ما نباید در پی حرف دشمنان خود برویم امروز ده ها هزار روحانی و ملا از انقلاب، از جمهوری دموکراتیک افغانستان، از حزب و جبهه ملی پدر وطن دفاع می نمایند. برای نخستین بار در سیر تاریخ افغانستان ریاست عمومی شئون اسلامی افغانستان در چهار چوب شورای وزیران و شورای علما و روحانیون در جبهه ملی پدر وطن تا سپس گردیده فعالانه در حیات سیاسی و اجتماعی کشور شرکت میورزند به همین مناسبت ضد انقلاب که ماسک اسلام را به چهره سیاه خود زده است تا اکنون بیش از صد تن از بهترین علمای روحانی ما را ترور کرده اند صد ها مساجد را منفجر نموده اند حتی کتاب اسمانی یعنی قران را مورد حریق قرار داده اند لیکن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت از منافع و مصالح روحانیون و علما و دین اسلام دفاع کرده و می نمایند. در زمان حاکمیت ح د خ ا تحت رهبری جاوید نام ببرک کارمل با در نظر داشت تبلیغات خصمانه مخالفین مسلح و اشرار ارتجاع و امپریالیزم احترام به مقدسات مردم و به خصوص دین اسلام از اولویت های دولت بود و از همین سبب در ماده پنجم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صراحت داده شده بود که «در جمهوری دموکراتیک افغانستان، احترام و رعایت دین مبین اسلام تأمین میشود و آزادی اجرای مراسم دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین میگردد.»

عقل سلیم و چشم بینا هرگز فراموش نمی کند که در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت زعامت محترم ببرک کارمل نه تنها احترام

و آزادی به دین اسلام بلکه به تمام باورمندان ادیان وجود داشت و نسبت به حاکمیت مافیای اسلامی و تاجران دین به دین اسلام و ادیان دیگر با حرمت بیشتر برخورد صورت می گرفت و مردم متدین افغانستان با درک این برخورد دلسوزانه و مهربانانه خود را در اجرای مراسم دینی و مذهبی مصئون و آزاد احساس میکردند.



لازم میدانم یادآور شوم که شرر افگنان و آنانی که دیروز دین را به حیث نقاب چهره های شیطانی خود ساخته و تحت مواظبت امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا علیه دولت مردمی، وطن و مردم شرر می افگندند، مساجد را که محل عبادت و فرا گیری قران بود، مکاتب را که محل فرا گیری علم و دانش و فرا گیری قران و تفسیر قران بود با موجودیت سپاره های قران به آتش کشانده و به خاکستر تبدیل میکردند و این شیوه غیراسلامی و انسانی تا اکنون به مثابه میراث شوم به وارثین و اخلاف شان باقی مانده و آنرا به وحشیانه ترین شیوه ادامه میدهند.

باید تذکر داد که برخلاف ادعای شرر افگنان و تاجران دین به خصوص تنظیم های هفت گانه و هشت گانه و تبلیغات زهر آگین ارتجاع و امپریالیزم جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت زعامت ببرک کارمل دین مقدس اسلام رسوم و عنعنات پسند دیده اقوام، ملیت ها و خلقهای کشور به مثابه اصول جدا ناپذیر نشان ملی و کلتور ملی و گنجینه های گران بهای معنوی و وطن عزیز محسوب میگردید. ببرک کارمل در یکی از بیانات خود در مورد چنین بیان داشته بود:

«یکبار دیگر رسماً و علناً شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان قاطعانه و صادقانه آزادی عام و تام عقاید و اصول دین مبین اسلام در مساجد، تکیه خانه ها عبادتگاه ها، خانقها آزادی انجام شعایر دیگر مذاهب را که به عنوان ارثیه نیاکان آنان باقی مانده آزادی تمام مذاهب که به اصول انسانی و انسان دوستی تضاد ندارد مصنوعیت و امنیت جامعه اسلامی ما و مردم ما را به مخاطره نمی اندازند؛ اعلام میدارد و هم چنان با قاطعیت اظهار میگردد کسانی که بخواهند نسبت به معتقدات دینی و مذاهب نسبت به عنعنات مردم بی احترامی کنند مردم مسلمان ما را بنابر معتقدات تحقیر و توهین و تحت فشار قرار دهند و علیه دین مقدس اسلام قرار گیرند قانوناً جلب و بر طبق قوانین دولتی مجازات خواهد شد.»

در زمان حاکمیت ح. د خ ا تحت زعامت زنده یاد ببرک کارمل صدها مسجد توسط تاجران دین و اجیران پاکستانی و ایرانی و فروخته شده گان دالر امریکایی ویران گردید و دولت در پی اعمار مجدد آن شد. برای اولین بار رسم زندگی با وقار با دادن کوپون و معاش به ملا امام های مساجد تغییری در زندگی ملا امام ها بوجود آورد و برای افرادی که به بیت الله جهت ادای دین سفر میکردند مساعدت های مادی صورت میگرفت. اینها همه نمونه های بارز از مواظبت دولت در مورد دین اسلام و سایر ادیان دیگر بشمار میرود که نمیتوان از آن چشم پوشید.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان دست ظلم و استبداد و به خصوص

مستبدین را که از دین اسلام و سایر ادیان دیگر بالای مردم ما ظلمت روا میداشت از بیخ و بن ریشه کن ساخت. چنانچه زنده یاد ببرک کارمل قبل از حادثه ثور و شش جدی در زمان مبارزات پارلمانی و اپوزیسیون فعال سیاسی در جریده تابناک پرچم روی اصل چنین مطالب صراحت داد بود که «ما به صراحت اعلام میداریم که مترقی ترین، انسانی ترین و اصیل ترین اخلاق در جهان آن اخلاقیست که مبین منافع اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه باشد، نه بیان کننده منافع مثنی از ستمگران و استثمارگران جامعه».

بعد از سقوط حاکمیت حزب وطن وضعیت تاریخی کشور ما فاجعه بار است و وطن میسوزد و قلب آن در آتش داغ جنت پرستان جهنم ساز جریحه دار شده است.

حوادث نشان میدهد که مردم کشور ما در دو دام قرار گرفته اند؛ از یکطرف اژدهای جهانخوار امپریالیزم و از طرف دیگر تاجران دین. چنین وضع دشوار، مردم رانگیز میسازد تا تن به تسلیمی و اسارت دهند. حقیقت دردناک این است از همان زمانی که هفت گانه و هشت گانه چون لاشخوران کثیف به کشور ما قدم منحوس شان را گذاشتند و حاکمیت ارتجاعی را که جز به منافع خود و غارت هر چه بیشتر ذخایر مادی کشور نمی اندیشند؛ با استعمار نو همدست شده اند. دردا که بخشی از مدعیان مبارز و روشن اندیشان انقلابی دیروز، مبارزه دیروز خویش را فراموش کرده و دست افشان و پای کوبان ورود بیگانگان استعمارگر و متجاوز را در جغرافیای افغانستان لیبیک گفته، دل خصم را بدست و دوستان را در حیرت و تأثر قرار میدهند.

روزی از زنده یاد ببرک کارمل در دیار مهاجرت در مورد آینده حزب پرسیدم ایشان که با امید و خوشبینی و اعتماد به رهبری به خصوص کادر ها و فعالین حزب داشتند؛ گفتند: **حزب آینده را کادر ها و فعالین حزب میسازند و باید که رفقا از بین خود رهبری را انتخاب و حزب را در انطباق با شرایط هوشیارانه از پراکنده گی و مرگ نجات دهند و من باور دارم که شما رفقا توانمندی این امر را دارید .**

به روان رهبر بی بدیل ما زنده یاد ببرک کارمل که جسماً با ما نیستند اما آرمان و خواسته های انسانی، مترقی وطن پرستانه و انسان دوستانه شان اندیشه و تفکر عالی و علمی شان همیشه جاودان و زنده با ماست درود فرستاده روانشان را شاد میخوام و به مثابه کمترین فرزند حزب ما در ح . خ .ا به بانگ رسا اعلام میدارم که اعضای صدیق حزب دموکراتیک خلق حزب وطن بیاید تا آرمان رهبر محبوب مان را زنده ساخته از پراکنده گی و ایجاد جزایر به یک حزب نیروند جدا از امراض خود خواهی و خود محوری مبدل گردیده و به خاطر نجات میهن با در نظر داشت احترام به رسم و عنعنات پسندیده مردم و احترام به دین مقدس اسلام و تمام ادیان دیگر یکجا با تمام نیروه های ملی، مترقی و دموکرات جبهه دموکراتیک نجات افغانستان را تشکیل داده و به خاطر رهایی وطن از چنگال استعمار نو و هیولای وحشت فساد و ستم و تجارت بالای مقدسات مردم مبارزه نمایم تا باشد دین وطن پرستی خویش را ادا و اعتماد بزرگان خود را ارج گذاشته در راه خدمت به مردم و وطن تا سرحد قربانی برزمیم.

منابع:

- حقیقت اسلام در افغانستان مجموعه اسناد جرگه و دومین کنفرانس علما و روحانیون جمهوری دموکراتیک افغانستان
- کتاب ببرک کارمل « تحکیم حزب و پیوند آن با خلق »
- هفت کلکسیون از هفت سال نشرات روزنامه حقیقت انقلاب ثور

شهاب الدین سرمند در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۸ میلادی در قریه کمری ولسوالی بگرامی ولایت کابل چشم به دنیا گشوده اند.

فارغ لیسه میخانیکی کابل در رشته برق و تحصیلات عالی را در اکادمی نظامی سیاسی و . ای. لینن شوروی سابق به درجه ماستری در رشته تاریخ و سیاست به پایان رسانیده اند.

در سال ۱۳۵۳ عضویت پر افتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان جناح پرچم آن زمان را کسب نموده اند. مصرفیت کاری بعد از فراغت از لیسه الی ششم جدی معلم در لیسه تخنیک ثانوی کابل و از ششم جدی الی سقوط حاکمیت تحت شعار مصالجه مصروف کار با جوانان (سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و مدیریت جوانان امنیت دولتی وشعبه روابط سیاسی شورای مرکزی حزب وطن) بودند.

